

مسائل و مشکلات نشر

در گفت و گو با جلال تجملی، مدیر انتشارات ناقوس



ابتدا بفرمایید که حوزه تخصصی کار شما چیست و چند سال در این کار سابقه دارید؟
حوزه تخصصی ما کتابهای کامپیوتر است که هم تولید و هم توزیع را بر عهده داریم و حدود ۸ سال است در این حوزه فعالیت می‌کنیم؛ یعنی از موقعی که عرضه کتابهای کامپیوتر در کشور ما خیلی محدود بود تا الان که خیلی گسترده شده و رو به رشد است.

شما در جشنواره هفته کتاب هم شرکت داشتید؟
ما در این جشنواره به صورت معقلی شرکت کردیم؛ یعنی در نمایشگاههایی که به صورت تخصصی در دانشگاهها برگزار شد، شرکت داشتیم، نه در ملاس و محیطهای عمومی.

استقبال از نمایشگاه چگونه بود؟
متأسفانه استقبال تنها محدود به افراد همان مرکز آموزشی بود و مطلقاً از طرف عموم مردم استقبال نشد. اگر کسانی که به ما مراجعه کردند دانشجوی نبودند، هرگز کتابی نمی‌خریدند. من می‌دانم که آن دسته از همکارانم که کتابهای عمومی دارند با مشکلات بسیاری مواجه هستند.

از چه لحاظ با مشکل مواجه هستید؟
ببینید کتابهای ما تخصصی است، دانشجویی که در حال تحصیل در این رشته است، اجباراً باید این کتاب را بخرد و اگر اجبار نداشت شاید از خرید این کتاب امتناع می‌کرد. تولید و توزیع ما به نسبت بقیه همکاران که کتابهای در زمینه علوم انسانی و ادبیات و رمان و به طور محدودتر روانشناسی منتشر می‌کنند؛ بالاتر است و استقبال از کتابهای ما بیشتر است. اگر شما به نمایشگاههای مختلف مراجعه کنید، ملاحظه خواهید کرد که جلو غرفه‌هایی که کتابهای مثل کتابهای ما عرضه می‌کنند ازدحام است؛ چون هر کسی می‌تواند مخاطب ما باشد. دکتر، مهندس، دانشجوی و به طور کلی از ۱۰ ساله تا ۷۰ ساله می‌توانند مخاطب ما باشند.

ارتزایی شما از وضعیت اطلاع‌رسانی حوزه کتاب در کشور ما چگونه است؟

یعنی شما مشکل اصلی را در اطلاع‌رسانی می‌دانید؟
اولین مشکل در این حوزه نظام توزیع است. وضعیت عرضه کتاب در کشور ما به طور کلی غلط است. البته ما مسئله توزیع را برای خودمان حل کردیم؛ یعنی در حدی که کتاب تولید می‌کنیم، مخاطب و راههای فروش پیدا کرده‌ایم. ولی ۹۰ درصد همکاران ما این مشکل را دارند و نمی‌توانند کتابهایشان را به طور مناسب توزیع کنند، ولو ناشناسی یا مصرف‌کننده و مراکز خرید کتاب به شدت دچار مشکلات مالی می‌شوند و هیچ‌کس و هیچ نهایی هم از آنها حمایت نمی‌کند؛ چرا که یک مرکز رسمی و مورد قبول نیستند.

اولین مراکزی که در حال ضربه خوردن هستند مراکز یخس کتاب هستند؛ چرا که کتاب را به صورت عمده خریداری می‌کنند و می‌خواهند چند تا چند تا به مراکز کوچکتر بفروشند و اغلب در برگشت سرمایه دچار مشکل می‌شوند.

وقتی که یک کتابفروش در پایتخت چنین وضعیتی دارد، یک کتابفروش در یک شهرستان نور افتاده وضعیتی به مراتب بدتر دارد. کتابفروش در شهرستان از من کتاب می‌خرد. ولی وقتی نمی‌تواند آن را بفروشد، خود به خود مشکلی به من منتقل می‌شود که توزیع‌کننده هستم و من هم منتقل می‌کنم به ناشر؛ یعنی همه زنجیروار ورشکسته می‌شویم. سابقه توزیع ما دو برابر سابقه نشر ما است و اگر هم موفق شویم به خاطر این است که به قول معروف اول چاله را کنایم و بعد سنا را دزدیدیم.

دولت چگونه می‌تواند از ناشران حمایت کند؟
همه حرفه‌هایی که در حمایت از ناشران زده می‌شود روی کاغذ و در حد تبلیغ است. به ناشر وام می‌دهند. ناشر کتاب را چاپ می‌کند، ولی نمی‌تواند بفروشد. طرف حساب وام هم بانک است. ناشر باید هر طور که شده وام را برگرداند؛ در حالی که سرمایه‌اش در آبنا خوابیده است. ولی اگر ارشاد حداقل برای همین تعداد کتابخانه‌ای که در کشور وجود دارد، تعدادی کتاب از ناشران خریداری کند، مطمئناً وضعیت نشر بهتر از این خواهد شد. ناشر وقتی نتواند وام

اطلاع‌رسانی درباره کتاب در کشور ما بسیار ضعیف است. بزرگترین وسیله ارتباط جمعی ما تلویزیون است. برنامه‌های تلویزیون در روز چند دقیقه به کتاب می‌پردازند؛ در طول هفته و در طول ماه چقدر برای جیبی و بک و پوشیه تبلیغ می‌شود و چقدر برای کتاب تبلیغ می‌شود؟ یا چه امکانات و تسهیلاتی برای ناشران و فعالان حوزه کتاب وجود دارد؟ نباید با کسی که پوشیه و بک عرضه می‌کند و کسی که کتاب ارائه می‌کند یکسان برخورد شود. هر دو اینها نباید صرفه‌مسلوی برای بخش آگهی خود بدهند. اگر قرار است که کتابخوانی رواج یابد - یا توجه به اینکه کتاب کالای مرموزی است و تا کسی در این کار نباشد نتیجه این قضیه نمی‌شود - باید به نوعی از تولید و توزیع کتاب حمایت شود. ببینید شما هر کالایی که در اختیار ناشر باشد می‌توانید با یک تفاوت قیمت آن را تبدیل به پول کنید؛ ولی کتاب را فقط و فقط می‌توانید. به مصرف‌کننده خاص خودش بدهید. تازه آن هم موقعی که مورد نیازش است. در غیر آن زمان، شما مطلقاً نمی‌توانید آن را تبدیل به پول کنید و وقتی که کتاب تبدیل به پول نشود، کهنه و قدیمی می‌شود و کتابهای جدیدتر به بازار می‌آید و در نتیجه وضعیتی مثل الان پیش می‌آید. چیزی در حدود ۶۰ تا ۷۰ درصد سرمایه ناشران در آبناها مانده است.

را پس بدهد، ورشکست می‌شود؛ دچار ناراحتی روحی و روانی می‌شود. بعضی حتی دچار مشکل حقوقی و جزایی می‌شوند و به زندان هم می‌افتند.

اگر ارشاد حافل هزار جلد از کتاب چاپ شده مرا بخرد و سرمایه اولیه من به من برگردد و من بتوانم ادامه حیات بدهم به مراتب بهتر از این است که به من وام بدهند و من تشویق بشوم و کتاب را چاپ بکنم ولی نتوانم توزیع کنم و بعد دچار هزاران مشکل بشوم.

آیا برگزاری جشنواره کتاب و امثال آن می‌تواند مشکل فروش کتاب را تا حدی حل کند؟

بی‌تأثیر نیست؛ ولی آن‌چنان هم که باید تأثیرگذار نیست.

علتش چیست؟

چون در مراکز محدود و بسته برگزار می‌شود مثلاً در مدارس یا مساجد در این امکان، عموم مردم رفت و آمد نمی‌کنند یا حداقل در زمانهای خاصی رفت و آمد می‌کنند.

در پارکها هم که بوده است؟

اولاً فقط در چند پارک در سطح تهران برگزار شد. ثانیاً الان زمان مناسبی برای برگزاری نمایشگاه در پارکها نیست. کتاب با کوچکترین تغییر هوا و باران آسیب می‌بیند. خریدار هم در هوای سرد و بارانی فرصت کافی برای ایستادن و انتخاب کردن کتاب ندارد. در ضمن خریدهایی که برای هفته کتاب می‌شود از طریق کتابهای خاصی و در اختیار انتشارات خاصی است و همه کتابها هم عرضه نمی‌شود.

چه پیشنهادی برای بهتر برگزار شدن چنین نمایشگاههایی دارید؟

باید از همه ناشران دعوت شود و در مکانهای عمومی هم برگزار شود. هیچ‌وقت با ما مثبت برخورد نشده است. ما همیشه در کنار بوده‌ایم. هیچ‌وقت به ما مراجعه نکردند که آقای فلانی شما هم نمونه‌های کتاب را بده تا از آن انتخاب کنیم. در حالی که ارشاد فهرست همه ناشران را دارد و می‌تواند به راحتی با همه آنها نامه‌نگاری کند.

اطلاع‌رسانی حوزه کتاب در کشور ما در حد صفر است. بزرگترین وسیله ارتباط جمعی ما تلویزیون است. برنامه‌های تلویزیون در روز چند دقیقه به کتاب می‌پردازند؟

نیاید تعریفه آگهی‌های تلویزیونی برای کسی که نوشابه و یفک عرضه می‌کند و کسی که کتاب ارائه می‌کند یکسان باشد

حمایت لازم از ناشران صورت نمی‌گیرد. به ناشر وام می‌دهند. ناشر کتاب را چاپ می‌کند؛ ولی نمی‌تواند بفروشد. طرف حساب وام هم بانک است. ناشر باید هر طور که شده وام را برگرداند؛ در حالی که سرمایه‌اش در انبار خوابیده است

نمایشگاه بین‌المللی کتاب مهمترین مرکز عرضه کتاب است. ولی چون هم زمانش کوتاه است و هم در طول سال تنها یکبار برگزار می‌شود، نمی‌تواند به خوبی جوابگو باشد

همان‌طوری که هنگام برگزاری نمایشگاه بین‌المللی کتاب با همه ناشران مکانه می‌شود.

تکنه بعدی این است که خوب است برای خرید کتاب از نظر افراد کارشناس و خیره استفاده کنند.

شما وضعیت فروش کتاب را در سالهای اخیر چگونه می‌بینید؟

در سالهای اخیر عنوان کتاب بیشتر شده که آن هم به خاطر این است که تعداد ناشران بیشتر شده است. ولی در میانگین تیراژ کتاب تفاوتی پیدا نشده و شاید هم کاهش پیدا کرده است.

در حال حاضر معیارهای شما برای انتخاب کتاب برای انتشار چیست؟

استقبال مردم تا حدود زیادی خط و خطوط ما را مشخص می‌کند. من به جای اینکه کتابی را چاپ کنم که هزار نفر منقاصی دارد، کتابی را چاپ می‌کنم که حداقل هزار نفر منقاصی داشته باشد؛ یعنی همه اینها برمی‌گردد به مسائل اقتصادی، من که ناشر هستم هیچ‌وقت نمی‌توانم فقط به مسائل فرهنگی بیندیشم. همیشه مسائل اقتصادی در اولویت است. چرا که اگر اقتصاد نباشد، ما ورشکست

خواهیم شد.

تیراژ کتابهای شما اغلب چقدر است؟

تیراژ کتابهای ما عمدتاً ۵ هزار جلد است. با توجه به سابقه ۸ ساله‌ای که در انتشار داریم فکر می‌کنم تیراژ مقبولی است.

طی چه مدت این تیراژ به فروش می‌رود؟

بستگی به نوع کتاب دارد. در اوایل کار که با ۳ هزار تیراژ شروع کردیم، گاهی دو سال طول می‌کشید تا بعضی از کتابها به فروش برود؛ یا کتابهایی در انبار می‌ماند و زمان فروش هم گذشت؛ ولی با توجه به اینکه ما اساس کار را روی توزیع کتاب گذاشتیم، توانستیم مشتریان ثابتی پیدا کنیم؛ به طوری که در حال حاضر فروش کتابهایمان را به ۶ ماه رسانده‌ایم. حال اگر کتاب خوب باشد و منقاصی داشته باشد به چلهای بعدی هم می‌رسد. در غیر این صورت لاقط از بابت سرمایه‌گذاری مشکلی نداریم و سرمایه اولیه ما برمی‌گردد. کتابهایی که ما از ۶ ماه قبل به این طرف چاپ کردیم در انبار نمانده است.

آیا برگزاری نمایشگاه بین‌المللی کتاب می‌تواند تا حدودی خلأ بین ناشران و خریداران کتاب را پر کند و به نوعی امر توزیع را تسهیل کند؟

نمایشگاه بین‌المللی کتاب مهمترین مرکز عرضه کتاب است. ولی چون هم زمانش کوتاه است و هم در طول سال تنها یکبار برگزار می‌شود، نمی‌تواند به خوبی جوابگو باشد. اگر بتوان این نمایشگاه را در طول سال دوبار برگزار کرد، ولو اینکه یکبارش فقط ناشران داخلی باشند، کمک بسیار بزرگی به ناشران است. چرا که در ایام برگزاری نمایشگاه بین‌المللی کتاب اطلاع‌رسانی بیشتری از طریق رسانه‌های جمعی اعم از رادیو و تلویزیون و روزنامه‌ها صورت می‌گیرد و همین باعث می‌شود که مردم به طرف نمایشگاه کشیده شوند. تخفیف ناشران هم باعث رونق بازار کتاب می‌شود.

در ضمن اینکه هم عموم مردم و هم تمام کتابفروشیها می‌توانند با مراجعه حضوری و به‌طور فشرده با کتابهایی که در طول سال منتشر شده است آشنا شوند.